رجعت زنان

 فاطمه عنايتي

چكيده

از باورهاي ويژة شيعيان، اعتقاد به رجعت و حيات مجدد افراد و گروه‌هاي خاص در پايان تاريخ و ظهور امام زمان عجل الله تعالي فرجه الشريف است. رجعت، باوري است كه مخالفان، با پرسش‌ها و شبهه‌ها فراواني درصدد مخدوش جلوه دادن آن بر آمده‌اند؛ از اين رو براي اثبات و تقويت باورداشت رجعت و نيز براي پاسخ‌گويي به شبهه‌ها و سؤالات مخالفان، پژوهش دربارة رجعت ضروري است. از سوي ديگر، براي جامعه زنان كه نيمي از جمعيت انساني را تشكيل مي‌دهند نيز پرسش‌هايي مطرح است از جمله اين كه آيا زنان در رجعت، هنگام قيام امام زمان عجل الله تعالي فرجه الشريف و تشكيل حكومت جهاني مهدوي، مشاركت دارند؟ اين نوشتار درصدد پاسخ‌گويي به سؤالهاي فوق، با تمركز بر نقش زنان مي‌باشد:

واژه‌هاي كليدي: رجعت، زنان،فلسفه رجعت، رجعت كنندگان، اثبات رجعت.

مقدمه

يكي از اعتقادات مكتب شيعه، رجعتِ برخي مردگان به دنيا، پيش از قيامت است. عالمان شيعه، با عنايت به قرآن و رواياتِ معصومان عليهم السلام اعتقاد به چنين پديده‌اي را يكي از ضروريات مذهب شيعه تلقي كرده‌اند. البته برخي به ضروري بودن آن به ديده ترديد نگريسته­اند؛ اما انكار آن را جايز نمي‌دانند. بسياري از علما بر اثبات آن اجماع كرده‌اند، بزرگاني هم‌چون طبرسي صاحب تفسير مجمع البيان[1]، شيخ حر عاملي[2]، امين الدين طبرسي[3]، شيخ صدوق[4]، حسن بن سليمان بن خالد حلّي[5]، شيخ مفيد[6]، سيد مرتضي[7]، علامه مجلسي[8]، ابوالحسن شريف[9] و... . برخي نيز رجعت را از ضروريات مذهب بر شمرده اند؛ چنان كه علامه مجلسي[10] و شيخ حر عاملي[11] بر اين باورند.

رجعت در لغت

رجعت از مادة «رجع» و اصل آن به معناي بازگشت پس از رفتن است.[12] صاحب مجمع البيان «رجعة» و «الرجعة» را بازگشت به دنيا پس از مرگ بيان كرده و مصدر آن را «الرجوع» به معناي بازگشت به ابتدا ابراز كرده است و هم‌چنين : الرجوع، العود.[13]

هم‌چنين در مجمع البحرين دربارة معناي «الرجعة» مي‌گويد:

الرجعة به فتح راء، يعني يك بازگشت پس از مرگ و بعد از ظهور مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف و آن، از ضروريات مذهب است... .[14]

رجعت در اصطلاح

رجعت در اصطلاح، عبارت است از اين‌كه خداوند، هم زمان با زمان ظهور مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف عده‌اي از بندگان صالح كه در ايمان و عمل، خالص بوده‌اند و نيز عده‌اي از كفار و منافقان كه در كفر و نفاق، سرآمد بوده‌اند را با همان ويژگي‌هاي روحي و جسمي خود به دنيا برمي‌گرداند، تا هر دو گروه، در حد امكان نتيجه دنيايي اعمال‌شان را دريافت كنند.[15]

آن‌چه در بازگشت دو گروه مؤمنان خالص و نيز كفار واقعي به آن اشاره شده، وصف صالح و منافق است، نه مرد و زن.

در معناي اصطلاحي رجعت سيد مرتضي مي‌فرمايد:

بدان همانا آن‌چه كه شيعه دوازده امامي معتقد است، اين است كه خداوند، هنگام ظهور حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف گروهي از شيعيان او و گروهي از دشمنان آن حضرت را كه پيش‌تر مرده‌اند، برمي‌گرداند تا به ثواب ياري آن حضرت برسند و نيز از دشمنان انتقام گرفته شود… . [16]

طبق آن‌چه از احاديث برداشت مي‌شود، رجعت، عمومي نيست؛ بلكه مخصوص عده‌اي از مؤمنان خالص و كفار معاند است. هم‌چنين سر سلسله‌ رجعت‌كنندگان، انبيا، امامان معصوم عليهم السلام و دشمنان آنان هستند. امام صادق عليه السلام در اين زمينه مي‌فرمايد:

رجعت، عمومي نيست؛ بلكه اختصاصي است و تنها مؤمنان يا مشركان محض، رجعت مي‌كنند[17].

رجعت در امت‌هاي گذشته

بازگشت، ميان امت‌هاي گذشته، بسان رجعتِ اصطلاحي در عقايد شيعه نيست؛ ولي آيات متعددي بر وقوع رجعت در امت‌هاي گذشته دلالت مي‌كند. افراد زيادي از پيامبر و غيرپيامبر، مؤمن و غيرمومن (زن و مرد) در امت‌هاي پيشين زنده شده و به دنيا برگشته‌اند[18]. يكي از نمونه‌هاي رجعت، بازگشت مقتول بني‌اسرائيل به دنيا مي‌باشد. قرآن، اين ماجرا را اين گونه نقل مي‌كند:

]و به خاطر آوريد[ هنگامي را كه فردي را به قتل رسانديد. سپس درباره ]قاتل[ او به نزاع پرداختيد… خداوند، اين‌گونه مردگان را زنده مي‌كند….‌[19]

خداوند، در اين آيه، در پايان داستان احياي مردگان ـ چه زن و مرد و مؤمن و كافر ـ را يك سنت و قانون هميشگي در نظام عالم معرفي كرده و آن را به عنوان قدرت خودش به رخ انسان‌ها مي‌كشد تا دربارة آن بينديشند.[20]

در اين آيه، جملة (كَذلِكَ يُحْيِ اللهُ الْمَوْتي ) به قيامت و يا برزخ اختصاص ندارد؛ بلكه به صورت يك قانون عمومي و فراگير براي همة زمان‌ها، مكان‌ها و امت‌ها در شرايط مساوي براساس حكمت الهي جاري خواهد بود. در واقع، هرگاه حكمت الهي اقتضا كند، خداوند، با قدرت بي‌نهايت خويش، مردگان را زنده خواهد كرد. از اين آيه و داستان نتيجه مي‌گيريم احياي مردگان، به همة انسان‌ها اعم از زن و مرد مربوط است و نشانه‌اي از قدرت الهي است.

اين آيه، نشان‌گر فراگير بودن رجعت در هر زمان و مكان است، و در آن، امت‌هاي مؤمن خاص و كافر خاص در هر زمان و مكاني كه بودند ـ چه زن و چه مرد ـ با شرايط مساوي، براساس حكمت و قدرت بي‌نهايت الهي، زنده شده و به دنيا برمي‌گردند، تا مؤمنان (زن و مرد) از وعدة الهي خرسند شوند و از كافران انتقام بگيرند. در اين مقاله، به اثبات رجعت از ديدگاه عقل و نقل، هدف رجعت و رجعت‌كنندگان زمان ظهور خواهيم پرداخت.

فصل اول

اثبات رجعت

1. برهان عقلي

عقل هيچ مانعي براي زنده‌شدن مردگان تصور نمي‌كند و آن‌را كاملاً ممكن مي‌داند. روشن و واضح است كه زنده كردن و حيات دادن خداوند به اشياء بر دو قسم است گاه خداوند از هيچ و عدم موجود زنده‌اي خلق مي‌كند؛ يعني بدون داشتن هيچ سابقه‌اي، مثل خلقت اوليه انسان و هر موجود ديگري و گاهي اجزاء و عناصر پراكنده يك موجود را جمع مي‌كند و حياتي دوباره مي‌دهد (يعني گاه خلقت جعل بسيط است و بدون سبق مادة سابقي و گاه بنحو جعل مركب) وقتي خلقت به صورت اول براي عقل ممكن شد خلقت و حيات دادن دوم به مراتب آسان‌تر و قابل قبول‌تر خواهد بود.

عدم امكان اين مطلب يا به دليل نقص در فاعليت فاعل است يا در قابليت قابل؛ يعني اين‌كه خداوند قدرت زنده كردن مردگان را ندارد يا بدن و روح، قابليت زنده‌شدن را ندارد؛ در حالي‌كه ما در طول شبانه‌روز، هم فاعليت فاعل را و هم قابليت قابل را در جهان مشاهده مي‌كنيم. پس هيچ عاقلي ـ چه رسد به مسلمان ـ در امكان رجعت شك و نزاعي ندارد؛ چون با اين‌كار، هم قدرت خداوند را منكر مي‌شود و هم سر از شرك و انكار قبر، عالم برزخ و معاد جسماني در مي‌آورد.

مرحوم سيد مرتضي در اين باره مي‌فرمايد: «در آن‌چه شيعه از رجعت معتقد است، هيچ اختلافي بين مسلمانان، بلكه موحّدان نيست»[21].

رجعت در اين دنيا با حيات مجدد در روز رستاخيز مشابهت دارد. رجعت و معاد، دو پديده همگون هستند؛ با اين تفاوت كه رجعت، با افق محدود و با قلمرو دنيايي، قبل از قيامت به وقوع مي‌پيوندد؛ ولي در رستاخيز، همة انسان‌ها، از ابتدا تا انتهاي خلقت، برانگيخته خواهند شد. بنابراين كساني كه امكان حيات مجدد را در روز رستاخيز پذيرفته‌اند، بايد رجعت را كه زندگي دوباره در اين جهان است، ممكن بدانند.

رجعت عالمي است با ويژگي‌هاي خاص خود كه نه دقيقاً هم‌چون عالم دنيا است و نه همانند عالم آخرت، و در عين حال برزخ هم نيست.

علامه طباطبايي در اين باره مي‌فرمايد:

رجعت از مراتب روز قيامت مي‌باشد؛ اگر چه در كشف و ظهور، پايين‌تر از روز قيامت است. دليل پايين‌تر بودن از قيامت امكان في الجملة راه يافتن فساد و شر در آن است، بر خلاف قيامت [كه هيچ فساد و شري در آن راه نخواهد يافت]؛ به همين دليل، روز ظهور مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف گاه به قيامت ملحق شده است، به دليل ظهور و غلبه كامل حق. [22]

معاد، يعني برگشت روح انسان به بدن. حال اگر چنين بازگشتي در آن مقطع زماني (قيامت) ممكن باشد، طبعاً بازگشت آن به اين جهان، قبل از قيامت ممكن خواهد بود؛ چرا كه امر محال در هيچ زماني امكان وقوع ندارد.

فيلسوف بزرگ اسلامي، صدر المتألهين رحمه الله عليه مي‌فرمايد:

در باب اعتقادات، آن‌چه قابل پيروي است يا دليل و برهان است يا نقل صحيح و قطعي كه از اهل‌بيت عليهم السلام رسيده باشد. روايات صحيح فراواني از امامان و سرورانمان دربارة درستي عقيده به رجعت و وقوع آن هنگام ظهور قائم آل محمد صل الله عليه و آله و سلم به ما رسيده است. عقل نيز اين موضوع را غيرممكن نمي‌داند؛ چرا كه نمونه‌هاي فراواني به اذن خداوند به دست پيامبراني چون عيسي عليه السلام و شمعون عليه السلام و ديگر پيامبران انجام يافته است[23] .

2. براهين نقلي

الف. قرآن: در قرآن كريم، آيات بسياري از رجعت سخن مي‌گويند كه به برخي از آنها اشاره مي‌كنيم:

و هنگامي كه فرمان [عذاب] بر آنها واقع شود، جنبنده‌اي از زمين براي آنها خارج مي‌كنيم كه با آنان سخن مي‌گويد كه: «مردم، به آيات ما يقين ندارند». و روزي كه ما از هر امتي گروهي را از كساني كه آيات ما را تكذيب مي‌كنند محشور مي‌كنيم و آنها نگه‌داشته مي‌شوند [تا به يك‌ديگر ملحق شوند] .[24]

با بيان چند نكته، دلالت آيه بر رجعت روشن مي‌شود:

1. حشر گروهي از هر امتي، غير از حشر در روز قيامت است. حشر در آيه فوق، همگاني نيست؛ در حالي‌كه حشر در روز قيامت شامل همة انسان‌ها مي‌گردد؛ چنان‌كه در آيه ديگري در وصف حشر و روز قيامت چنين آمده است:

و همه را محشور كرده و احدي از آنان را فرو نخواهيم گذاشت. [25]

2. در صدر آيه اول، خداوند مي‌فرمايد: (اِذَا وَقَعَ الْقَوْلَ عَلَيْهِمْ ). مورد اتفاق همه مفسران است كه وقوع قول (فرمان)، از علائم قيامت است و روشن است كه علامت يك چيز غير از خود آن چيز است[26] .

3. آيات قبل از اين آيه، از نشانه‌هاي قبل از رستاخيز در پايان جهان سخن گفته‌اند و در آيات پس از آن نيز به همين موضوع اشاره مي‌شود.

بنابراين، بعيد به نظر مي‌رسد آيات قبل و بعد، از حوادث پيش از رستاخيز سخن گويند؛ امّا آيه وسط، دربارة رستاخيز باشد. هم‌آهنگي آيات، ايجاب مي‌كند كه همه درباره حوادث قبل از قيامت باشند[27] .

د) شاهد ديگر براي دلالت آيه بر رجعت، «خروج دابة الارض»[28] است كه يكي از نشانه‌هاي رستاخيز به شمار مي‌رود[29]؛ يعني از نشانه‌هايي است كه قبل از رستاخيز رخ مي‌دهد.

پيامبر اكرم صل الله عليه و آله و سلم دربارة دابة الارض فرمود:

هيچ‌كس به او دست نمي‌يابد و كسي نمي‌تواند از دست او فرار كند. بين دو چشم مؤمن علامت مي‌گذارد و مي‌نويسد: « مؤمن بين دو چشم كافر علامت مي‌گذارد و مي‌نويسد: «كافر»، عصاي موسي و انگشتر سليمان با او است. [30]

آية دوم:

بي‌گمان ما رسولان خود و كساني كه ايمان آورده‌اند را در زندگي دنيا و روزي كه گواهان به پامي‌خيزند، ياري مي‌دهيم. [31]

با بيان چند نكته روشن خواهد شد كه اين آيه، به رجعت اشاره دارد و رجعت هم مخصوص تمام انسان‌هاي مؤمن خاص و كفار خاص است.

الف) سياق آيه، بر فعلي دلالت دارد كه در آينده به طور حتم به وقوع خواهد پيوست.

ب) نصرت و پيروزي كه در اين آيه وعده داده شده، تاكنون تحقق نيافته است و خداوند، هرگز خلف وعده نمي‌كند؛ پس ناگزير بايد در آينده تحقق يابد.

ج) همة پيامبران (به جز حضرت عيسي عليه السلام و حضرت خضر عليه السلام ) و مؤمنان، هنگام نزول قرآن در قيد حيات نبوده و در اين دنيا ياري نشده‌اند؛ پس به مقتضاي اين آيه، بايد زنده شوند، تا در همين دنيا ياري شوند.

د) لفظ نصرت، در مواردي به كار مي‌رود كه دو گروه، مشغول مخاصمه و جنگ باشند و شخصي يا گروهي، به يكي از طرف‌هاي درگير كمك كند، تا برطرف مقابل، چيره شود. طبيعي است چنين معنايي با ياري كردن انبيا و مؤمنان در آخرت سازگاري ندارد؛ بلكه مصداق آيه با رجعت، و نصرت انبيا و اوليا تحقق مي‌يابد.

شيخ مفيد در تفسير اين آيه مي‌فرمايد:

شيعيان عقيده دارند خداي تبارك و تعالي وعدة نصرت خود را دربارة دوستانش، پيش از آخرت تحقق خواهد بخشيد و آن، هنگامي است كه قائم عجل الله تعالي فرجه الشريف قيام كند. در پايان دنيا، مؤمنان رجعت مي‌كنند و وعدة الهي تحقق مي‌يابد[32] .

اين رجعت مؤمنان و اين وعدة الهي براي زن و مرد است؛ چون در غالب از آيات و روايات، به گروه خاصي با علامت خاصي اشاره نشده است؛ بلكه بيشتر به مؤمنان و منافقان اشاره شده و اين دو كلمه، هم شامل زن مي‌شود و هم شامل مرد.

ب: روايات

در اين فراز مي‌توانيم رجعت را از سه منظر احاديث، زيارات و ادعيه پي‌گيري كنيم.

1. احاديث

اخبار و رواياتي كه دربارة رجعت از معصومان عليهم السلام نقل شده، به قدري زياد است كه در طول تاريخ، بسياري از بزرگان و علماي شيعه دربارة آن، ادعاي تواتر كرده‌‌اند (معنوي و اجمالي)[33] از جمله شيخ طوسي در مورد برخي از احاديث رجعت ادعاي تواتر لفظي هم نموده است.[34] علامه مجلسي در اين رابطه مي‌فرمايد: «اگر روايت رجعت متواتر نباشد پس در دنيا روايت متواتر وجود ندارد»[35]. علامه طباطبايي مي‌فرمايد: روايات ائمه اهل بيت عليهم السلام نسبت به اصل رجعت متواتر است و تواتر با مناقشه در تك تك حديث باطل نمي‌شود.[36]

به همين دليل، اكنون فقط به ذكر برخي از اين احاديث مي‌پردازيم:

از امام صادق عليه السلام نقل شده است:

هر كس به هفت چيز اعتقاد داشته باشد، مؤمن ]شيعه[ است و در ميان آن هفت چيز، ايمان به رجعت را ذكر فرمود. [37]

مأمون به حضرت امام رضا عليه السلام عرض كرد: «اي اباالحسن نظرت دربارة رجعت چيست؟» آن حضرت فرمود:

آن، حق است و در امت‌هاي گذشته نيز بوده و قرآن آن را بيان كرده است. رسول‌خدا صل الله عليه و آله و سلم فرمود: آن‌چه در امت‌هاي گذشته واقع شده در اين امت نيز بدون كم و كاست واقع خواهد شد».[38]

«حَذْوَ النََعّل بالنَّعّل وَ الْقَذَّةِ بِالْقَذَّةِ» يعني برابري و يكساني كه گام به گام و مو به مو، تحقق پيدا مي‌كند.

طبق آن‌چه امام رضا عليه السلام فرمود، به دست مي‌آيد كه در امت‌هاي گذشته رجعت بوده است و در اين رخداد مهم هم زن و هم مرد حضور داشته‌اند[39] و در زمان ظهور نيز با رجعت زنان و مردان، اين واقعه ادامه پيدا مي‌كند و اين، امري است كه دربارة همة انسان‌هاي مؤمن خاص و كفار خاص اجرا مي‌شود.

2. زيارات

در زيارتي كه خطاب به حضرت امام مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف خوانده مي‌شود آمده است:

اگر دوران درخشان و پرچم‌هاي برافراشته و حكومت قدرت‌مند تو را درك كردم، بنده‌اي از بندگان تو خواهم بود ... و اگر پيش از ظهورت مرگ فرا رسيد، با توسل به تو از خداي سبحان مي‌خواهم كه بر محمد و آل محمد صل الله عليه و آله و سلم درود فرستد و براي من، بازگشتي در دوران ظهورت و رجعتي در زمان [حكومت] تو قرار دهد، تا با فرمان‌برداري تو، مراد خويش را دريابم و دلم را [با انتقام] از دشمنانت شفا بخشم. [40]

هم‌چنين در زيارت امام حسين عليه السلام در روز عرفه مي‌خوانيم: «اي سرورم! اي اباعبدالله! خدا و فرشتگان و پيغمبرانش را شاهد مي­گيرم كه من، به شما ايمان، و به بازگشت‌تان يقين دارم….» [41]

پس همة ما (اعم از زن و مرد) با تأسي از امامان و اولياي خدا، مي‌توانيم دعا كنيم كه تا زمان ظهورش زنده باشيم، تا از ياران خاص او باشيم و اگر هم زنده نمانديم، از خدا بخواهيم با رجعت در زمان دولت يار، او را يار و ياور باشيم و از دشمنانش انتقام بگيريم .

3. ادعيه

الف. در دعاي عهد آمده است:

پروردگارا ! اگر مرگي كه بر تمام بندگانت، قضاي حتمي قرار دادي ميان من و او ]= حضرت امام مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف‌‌[ جدايي انداخت، مرا [هنگام ظهور مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف] از قبر برانگيز؛ در حالي كه كفنم را ازار خود كرده و شمشيرم را از نيام بركشيده و نيزه‌ام را برهنه ساخته‌ام و دعوت دعوت‌كننده را لبيك مي‌گويم.[42]

از امام صادق عليه السلام روايت شده : «هر كس چهل صبح اين دعا را بخواند، از ياوران قائم ما باشد و اگر پيش از ظهور آن حضرت بميرد، خداوند او را از قبر بيرون آورد…».[43]

ب. در دعايي كه بعد از زيارت حضرت حجت عجل الله تعالي فرجه الشريف در سرداب نقل شده اين گونه آمده است: «خدايا! اگرقبل ازظهور حضرتش مرا از دنيا بردي، مرا از كساني قرار ده كه در رجعت بر مي‌گردند.» [44]

فصل دوم

هدف رجعت

يكي از سؤالاتي كه در بحث رجعت مطرح مي‌شود، اين است كه چرا بايد عده‌اي از انسان‌ها ـ اعم از خوب و بد ـ قبل از قيامت و در دوران ظهور حضرت امام مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف به دنيا برگردند؟ رجعت چه اهميتي دارد كه معصومان عليهم السلام تا اين مقدار در روايات، ادعيه، و زيارات بر آن تأكيد كرده‌اند، تا حدّي كه بعضي از علما و بزرگان دين، رجعت را از ضروريات مذهب شيعه برشمرده‌اند؟

رجعت به دنيا، تنها به اذن و ارادة الهي قابل تحقق است و چون همة افعال خداي حكيم، از روي حكمت است، رجعت نيز داراي حكمت خواهد بود. اين‌جا به مواردي از اهداف رجعت اشاره مي‌كنيم:

1. انتقام گرفتن از ستم‌گران

در رجعت، گروهي از منافقان و ستم‌گران تاريخ كه در حق انسان‌ها، از هيچ ظلم و ستمي دريغ نكردند و غصب كنندگان خلافتِ اهل‌بيت پيامبر صل الله عليه و آله و سلم به دنيا برمي‌گردند، تا قبل از قيامت به بخشي از مجازات‌هاي خود برسند.

امام صادق عليه السلام فرمود:

هنگامي كه كار حسين عليه السلام خاتمه يافت، ملائكه به درگاه خداوند تضرع كردند. پس خداوند سايه حضرت قائم عجل الله تعالي فرجه الشريف را برپا داشت و فرمود: «به وسيله اين، از آنان كه به او ستم كردند ]قاتلان امام حسين عليه السلام‌[ انتقام مي‌گيرم».[45]

امام زمان عجل الله تعالي فرجه الشريف در صورتي مي‌تواند از قاتلان امام حسين عليه السلام انتقام بگيرد كه آنها زنده باشند و اين، با رجعت تحقق مي‌يابد.

2. نصرت دين

يكي از اهدافي كه رجعت مؤمنان بر آن استوار است، نصرت و ياري رساندن به دين الهي در عصر طلايي ظهور امام زمان عجل الله تعالي فرجه الشريف است. بزرگي و عظمت قيام جهاني حضرت امام مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف مي‌‌طلبد كه ياران آن حضرت، از حيث تعداد و نيرو، متناسب با آن نهضت باشند.

اعتقاد به رجعت و بازگشت به دنيا، مي‌تواند نقش برجسته‌اي در نشاط ديني و اميد حضور در حكومت جهاني حضرت امام مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف داشته باشد. رجعت، براي همه افراد ـ چه زن و چه مرد كه لايق ياري‌رساندن بوده و قبلاً از دنيا رفته‌اند ـ زمينة اين مهم را فراهم مي‌سازد.

در برخي دعاها از خداي بزرگ مي‌خواهيم ـ اگر زنده نبوديم ـ ما را در دوران ظهور امام زمان عجل الله تعالي فرجه الشريف زنده گرداند تا او را ياري دهيم؛ همان طور كه در دعاي روز بيست و پنجم ماه ذيقعده مي‌خوانيم:

خداوندا ! فرج اوليايت را نزديك كن و آن‌چه به ستم از آنان گرفته‌اند، به ايشان برگردان و قائم‌شان عليه السلام به حق ظاهر كن ... خداوندا! بر آن بزرگوار و پدرانش درود فرست و ما را از يارانش قرار ده و در رجعتش محشورمان كن تا از ياري‌كنندگان او باشيم. [46]

اين دعاها و خواستن‌ها مخصوص همة انسان‌هاست، چه زن و چه مرد، تا در آن زمان، از رجعت‌كنندگان و در صف ياران مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف باشند.

3. لذت بردن مؤمنان از حاكميت اسلام

بسياري از مؤمنان، در طول تاريخ، آرزوي حاكميت دين در سراسر جهان را داشتند و در اين راه مبارزه كردند؛ اما دشمنان دين، با ظلم و جور خود نگذاشتند دين در تمام ابعاد، حاكميت يابد. در دوران رجعت، مؤمنان برمي‌گردند تا عزّت دين و خفت و خواري ظالمان را ببينند.

امام باقر عليه السلام فرمود:

اما مؤمنان، به سوي روشنايي‌هاي چشمان‌شان برمي‌گردند [تا چشم‌شان با ديدن حكومت عدل امام زمان عجل الله تعالي فرجه الشريف روشن شود] و اما ستم‌گران، برمي‌گردند تا دچار عذاب الهي گردند؛ چنان‌كه خداوند مي‌فرمايد: «و قطعاً غير از آن عذاب بزرگ‌تر، از عذاب اين دنيا به آنان مي‌چشانيم».[47]

4. تأثر كافران از استقرار حكومت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف

 يكي از اهدافي كه در روايات بسيار تكرار شده و حتي در تعاريف رجعت هم انعكاس يافته است،[48] عزت مؤمنان و خواري و ذلت منافقان است.

امام باقر عليه السلام مي‌فرمايد:

هيچ شخص نيك و بدي از اين امت نيست، مگر اين‌كه رجعت مي‌كنند؛ مؤمنان برمي‌گردند تا اين‌كه عزيز شده، چشمان‌شان روشن شود و فجّار برمي‌گردند تا خداوند ذليل‌شان كند. آيا نشنيده‌اي گفتار خداوند را كه مي‌فرمايد: همانا عذاب نزديكتر (كوچكتر) را كه غير از عذاب بزرگتر است به آن‌ها مي‌چشانيم[49].

عذاب نزديك‌تر، به عذاب رجعت منطبق شده است.

حضرت علي عليه السلام در تفسير آيه مبارك (رُبَما يَوَدُّ الَّذينَ كَفَرُوا لَوْ كانُوا مُسْلِمينَ ) [50] مي‌فرمايد:

زماني كه من با شيعيانم با پيروان‌شان برمي‌گرديم، بني‌اميه را با خواري و ذلت به قتل مي‌رسانم. در اين هنگام، كفار مي‌گويند: «اي كاش مسلمان بوديم!»[51] .

5. تكامل مؤمنان

يكي از اهداف رجعت، رسيدن به تكامل نهايي است؛ چون رجعت، عمومي نيست و ويژه مؤمنان و طاغيان ستم‌گر محض است، بازگشت آنان به زندگي دنيوي، به منظور تكميل حلقه كمال گروه اول و چشيدن كيفر دنيوي گروه دوم است.

به تعبير ديگر، مؤمنان خالص، در مسير تكامل معنوي با موانع دشمنان روبه‌رو بودند و از تكامل باز ماندند. حكمت الهي اقتضا مي‌كند كه آنها سير تكاملي خود را از طريق بازگشت به اين جهان به پايان برسانند و در گسترش حكومت حق شركت كنند كه شركت در چنين حكومتي از افتخارات بزرگ است.

 پس دانستيم كه در رسيدن به تكامل نهايي كه همان رجعت است، مردان و زنان مي‌توانند با بازگشت مجدد به دنيا مسير اصلي و پاياني كمال خود را طي كنند.

فصل سوم

رجعت كنندگان

رواياتي كه رجعت‌كنندگان را معرفي مي‌كند به دو دسته تقسيم شده‌اند:

1. بعضي روايات به طور عموم دلالت مي‌كند كه تمام مؤمنان خالص (زن و مرد) و كفار معاند (زن و مرد) كه در طول تاريخ در روي زمين زندگي كرده‌اند، برمي‌گردند. امام صادق عليه السلام مي‌فرمايد: «همانا رجعت، عمومي نيست؛ بلكه خصوصي است، برنمي‌گردند مگر مؤمنان محض و كفار محض.»[52]

2.بعضي از روايات، رجعت‌كنندگان را با اسم و مشخصات معرفي مي‌كند:

الف) مردان

مي توان مردان مورد اشاره در روايات را به سه دسته كلي تقسيم كرد:

1. پيامبران گذشته:

امام صادق عليه السلام در تفسير آيه 81 آل عمران مي‌فرمايد: «خداوند هيچ پيامبري را از آدم تا ساير انبيا مبعوث نكرد، جز آن‌كه به دنيا بازگشته و رسول‌خدا صل الله عليه و آله و سلم و اميرالمؤمنين عليه السلام را ياري خواهند كرد.»[53]

2. پيامبر اكرم صل الله عليه و آله و سلم و امامان عليهم السلام

ابو خالد كابلي از امام سجاد عليه السلام نقل مي‌كند كه آن حضرت در تفسير آية 85 سوره قصص[54] چنين فرمود: «پيامبر صل الله عليه و آله و سلم و اميرالمؤمنين عليه السلام و امامان عليهم السلام به سوي شما باز مي‌گردند. »[55]

3. مؤمنان

از امام صادق عليه السلام روايتي نقل شده است كه به شيعيان راستين خود چنين فرمود:

... تا اين‌كه قائم ما اهل‌بيت قيام مي‌كند. در آن هنگام، خداوند، آنان را مبعوث خواهد كرد و آنها، گروه گروه لبيك گويان به حضرتش ملحق مي‌شوند…[56]

ب: زنان

گروهي از ياوران حضرت بقية‌الله عجل الله تعالي فرجه الشريف زناني هستند كه خدا به بركت ظهور امام زمان عجل الله تعالي فرجه الشريف آنها را زنده خواهد كرد و بار ديگر به دنيا رجعت خواهند نمود. در روايات، به دو گونه به اين افراد اشاره شده است:

1.عام

در روايات، رجعت ويژه زن يا مرد نيست و فقط به مؤمن محض و كافر محض اشاره شده است؛ يعني هم زن مؤمن و هم زن كافر در زمان ظهور مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف رجعت مي‌كنند، تا زنان مؤمن، طعم شيرين و لذّت انجام وعدة الهي را بچشند و در ركاب حضرت امام مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف و امامان معصوم عليهم السلام به خدمت بپردازند و زنان كافر هم كيفر دنيايي گناه و عملكرد خود را ببينند و به عذاب الهي برسند.

2. خاص

گروهي از زنان هستند كه علاوه بر اخبار عمومي، در برخي اخبار، به نام آنان هم اشاره شده است. اين روايات معتبر دربارة زنان، بسيار اندك است.

الف) زنان مؤمن

در منابع معتبر اسلام، نام سيزده زن ياد مي‌شود كه به هنگام ظهور قائم آل محمد صل الله عليه و آله و سلم زنده خواهند شد و در لشكر امام زمان عجل الله تعالي فرجه الشريف به مداواي مجروحان جنگي و پرستاري بيماران خواهند پرداخت.

مفضل بن عمر از امام صادق عليه السلام نقل مي‌كند كه فرمود:

«همراه قائم عجل الله تعالي فرجه الشريف سيزده زن خواهند بود». گفتم: «آن‌ها را براي چه كاري مي‌خواهد؟» فرمود: «براي مداواي مجروحان و رسيدگي به مريض‌ها؛ همان‌گونه كه وقتي همراه پيامبر صل الله عليه و آله و سلم بودند چنين مي‌كردند». عرض كردم: «نام آنها را بفرماييد» فرمود: «قنواء دختر رشيد هجري، ام ايمن، حبابه والبيّه، سميه مادر عمار بن ياسر، زبيده، ام خالد احمسيه، ام سعيد حنفيّه، صبانه ماشطه و ام خالد جهنيّه. [57]

در اين روايات، امام صادق عليه السلام از آن سيزده زن فقط نام نه نفر را ياد مي‌كند. در كتاب خصايص فاطمي به نسيبه دختر كعب مازنيه نيز اشاره شده است[58].

در كتاب منتخب البصائر از دو زن به نام «تيره» و «أحبشيه» نام مي‌برد[59] . اين افراد، هر كدام در بُعدي و بيشتر در بُعدِ جهاد با دشمنان خدا، از خود شايستگي‌هايي نشان داده‌اند. برخي از آنان ـ هم‌چون «صيانه» ـ مادر چند شهيد بوده و خود نيز با وضعي جانسوز به شهادت رسيد. برخي ديگر چون سميّه، در راه دفاع از عقيدة اسلامي خود، سخت‌ترين شكنجه‌ها را تحمل نموده و تا پاي جان از عقيدة خود دفاع كرده‌اند.

ام‌خالد نيز نعمت تندرستي پيكر را براي حفظ اسلام استفاده كرد و جانباز شد. برخي ديگر، همانند زبيده كساني بودند كه زرق و برق دنيا، هرگز آنان را از اسلام باز نداشت و از آن امكانات در راه عقيده خود استفاده كرده و در مراسم حج كه يكي از اركان دين است به كار بردند. بعضي، افتخار دايگي رهبر امت را داشتند و خود نيز از معنويات زيادي برخوردار بودند و بعضي ديگر، از خانوادة شهيداني بودند كه خود، پيكر نيمه‌جان فرزندان‌شان را حمل كردند. آنان، كساني هستند كه با انجام رشادت‌ها ثابت كردند كه مي‌توانند گوشه‌اي از بار سنگين حكومت جهاني اسلام را بردوش گيرند.

همة اين دلايل، ما را به راز تصريح امام صادق عليه السلام به نام اين نه نفر آگاه مي‌كند. حال، براي درك بهتر شرح حال مختصري از زندگي چند تن را بررسي كنيم.

1. صيانه

در كتاب خصائص فاطميه آمده است:

در دولت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف سيزده تن، براي معالجة زخميان زنده گشته و به دنيا بازمي‌گردند. يكي از آنان «صيانه» است كه همسر «حزقيل» و آرايشگر دختر فرعون بوده است. شوهرش «حزقيل» پسرعموي فرعون و گنجينه دار او بوده و به گفتة او، حزقيل، مؤمن خاندان فرعون است كه به پيامبر زمانش، موسي عليه السلام ايمان آورد[60].

پيامبر صل الله عليه و آله و سلم فرمود:

شب معراج، در مسير بين مكه معظمه و مسجد الاقصي، ناگهان بوي خوشي به مشامم رسيد كه هرگز مانند آن را نبوييده‌ بودم. از جبرئيل پرسيدم: «اين بوي خوش چيست؟» گفت: «اي رسول‌خدا صل الله عليه و آله و سلم! همسر حزقيل به حضرت موسي بن عمران عليه السلام ايمان آورده بود و ايمان خود را پنهان مي‌كرد.[61]

2.سميه، مادر عمار ياسر

او هفتمين نفر بود كه به اسلام گرويد و بدترين شكنجه‌ها را تحمل كرد[62] . او و شوهرش، ياسر در دام ابوجهل گرفتار شده بودند و او، به آنها دستور داد كه به پيامبر خدا دشنام دهند؛ اما آنها چنين كاري نكردند. ابوجهل زره آهني به سميه و ياسر پوشاند و آنها را مقابل آفتاب سوزان نگه‌داشت. پيامبر صل الله عليه و آله و سلم كه گاهي از كنارشان عبور مي‌كرد، آنها را به صبر و مقاومت سفارش مي‌كرد و مي‌فرمود: «اي خاندان ياسر صبر پيشه كنيد كه وعده‌گاه شما بهشت است». سرانجام ابوجهل با ضربتي آنها را به شهادت رساند.[63]

خداوند، اين زن را به سبب صبر و مجاهدتي كه در راه اسلام متحمل شد، در زمان ظهور مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف زنده خواهد كرد، تا پاداش وعدة الهي را ببيند و در لشكر ولي خدا، به ياوران آن حضرت خدمت كند.

3. ام ايمن

نام او «بركه» است. وي كنيز پيامبر صل الله عليه و آله و سلم بود. آن حضرت، به او مادر خطاب مي‌كرد و مي‌فرمود: «او باقي‌ماندة خاندان من است»[64]. او از شيفتگان امامت بود كه در ماجراي فدك، حضرت زهرا عليها السلام او را به عنوان شاهد معرفي كرد و پنج يا شش ماه پس از پيامبر صل الله عليه و آله و سلم در زمان خلافت ابوبكر از دنيا رفت[65] .

ام ايمن، دختر «ثعلبه بن عمرو بن حصن بن مالك» مي­باشد. او خدمت‌گزار «آمنه»، مادر پيامبر صلي الله عليه و آله و سلم بود كه به ارث، به پيامبر صلي الله عليه و آله و سلم منتقل شد. آن گاه كه رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم مادر خود را از دست داده بود، ام ايمن، پرستاري وي را برعهده گرفت و به اصطلاح، خدمت‌گزار رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم محسوب مي­شد. رسول خدا صل الله عليه و آله و سلم بارها مي­گفت: «ام ايمن، پس از مادرم «آمنه»، مادر من است» و او را عضو خانواده و يادگار اهل بيت خويش مي­خواند . ام ايمن را بايد يكي از بانوان نمونه و ممتاز تاريخ اسلام دانست؛ چون كوشش­هاي او در طول زندگي پر بركتش در راستاي وابستگي به پيغمبر صلي الله عليه و آله و سلم و خاندان او، افتخارآميز و سراسر پر عظمت بود[66] كه اين‌جا مجال شرح آن نمي‌باشد.

4. زبيده

وي، همسر هارون الرشيد و از شيعيان بود. هنگامي كه هارون از عقيدة او آگاه شد، سوگند ياد كرد او را طلاق دهد. او به انجام كارهاي نيك معروف بود. زماني كه يك مشك آب در شهر، يك دينار طلا ارزش داشت، او همة حُجاج و شايد مردم مكه را سيراب كرد. او دستور داد با كندن كوه‌ها و احداث تونل‌ها، آب را از فاصلة ده ميلي خارج حرم مكه، به حرم آوردند. زبيده، صد كنيز داشت كه همگي حافظ قرآن بودند و هر كدام موظف بود كه يك دهم قرآن را بخواند؛ به گونه‌اي كه از منزل او، صداي قرائت قرآن همانند زمزمة زنبورهاي عسل، بلند بود[67].

5. ام خالد عبدي

ام خالد عبدي را دانشمندان و رجال نويساني چون كشّي و مامقاني، بانويي معرفي كرده­اند كه استاندار عراق، يوسف بن عمرو به سبب عقيده شيعي و پيروي از زيد بن علي بن الحسين عليه السلام در كوفه دست او را قطع كرد. وي، بانويي عارف و مجاهد بود كه در راه عقيده و عبادت خويش، استواري و پاي‌بندي قاطعي داشت و در بيان معارف دين و ابراز عشق و ارادت به خاندان پيامبر صلي الله عليه و آله و سلم برابر مخالفان، هيچ كوتاهي و مسامحه­اي روا نمي­داشت. [68]

6. حبابه والبيه

شيخ طوسي، شيخ كليني، فيض كاشاني، محدث بحراني، طبرسي، راوندي و علامه مجلسي، او را محدث و راوي حديث از امام علي عليه السلام و ساير امامان تا امام رضا عليه السلام و خلاصه راوي حديث از هشت تن از امامان معصوم دانسته­اند.[69] نكته‌اي كه درباره اين بانوي محدث قابل توجه است و او را در رديف يكي از زنان فوق العاده و استثنايي قرار داده، اين است كه حبابه، راوي حديث از امام علي عليه السلام بوده و در روزگار امام زين العابدين عليه السلام، 113سال از عمر او مي­گذشت. در سال 183ق كه امام موسي بن جعفر عليه السلام شهيد شده و امام رضا عليه السلام عهده­دار امامت گرديد،[70] وي به حضور امام هشتم رسيد؛ در حالي كه عمر او در اين روزگار، حداقل 235 بود. وقتي از دنيا رفت، امام رضا عليه السلام او را با پيراهن خود كفن كرده و به خاك سپرد. سن او هنگام مرگ، بيش از 240 سال بود. او، دوبار به جواني بازگشت كه يك بار به معجزه امام سجاد عليه السلام و بار دوم به معجزه امام هشتم عليه السلام بود. او است كه هشت امام معصوم با خاتم خود بر سنگي كه او همراه داشت، نقش بستند. [71]

7. قنواء، دختر رشيد هجري

قنواء دختر رشيد هجري را دانشمندان رجالي و اهل فقه و حديث، مانند شيخ طوسي، برقي و مامقاني از بانوان ياور امام صادق عليه السلام و راوي حديث از آن بزرگوار معرفي كرده­اند. [72]

ميزان صلابت و پايداري در عقيده و پاي‌بندي او به اسلام و تشيع و علاقه به اميرالمومنين عليه السلام از جرياني كه دربارة شيوه اسارت و شهادت پدر بزرگوارش، توسط ابن زياد نقل مي­كند، آشكار مي­شود. [73]

به هر حال، قنواء ـ راوي حديث از امام صادق عليه السلام و امام علي عليه السلام ـ دختر مردي است كه در دين، صادق و در ولايت، راستين است. چنين زني، توسط چنين پدري پرورش يافته و شيفته و رهرو امام زمان است و با چنين اعتقادي مي­تواند در هنگام ظهور امام زمان عليه السلام از سيزده زني باشد كه براي معالجه مجروحان و ياري امام عليه السلام به دنيا بازگشت مي­كند. [74]

8. نسيبه، دختر كعب

نسيبه، دختر كعب كه همسر او «زيد بن عاصم» بود و پسرهاي او «حبيب» و «عبدالله» بودند، از بانوان مجاهد و صحابي فداكار رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم و راوي حديث از آن بزرگوار بوده است.[75] ابن اثير جزري، ابن عبدالبر اندلسي و ابن حجر عسقلاني درباره سابقه درخشان او نوشته­اند:‌

در بيعت عقبه كه 62 مرد از قبيله خزرج شركت داشتند و با رسول خدا بيعت كردند، دو زن يعني نسيبه و خواهر وي هم حضور داشتند و بدون اين كه به هنگام بيعت، دست رسول خدا به دست آنها بخورد، با آن حضرت بيعت كردند و به اطاعت پيامبر صلي الله عليه و آله و سلم اقرار و تعهد نمودند. [76]

نسيبه كه با كنيه «ام عماره» هم معروف شده، در بيعت رضوان، در جنگ احد و در جنگ يمامه كه بعد از وفات رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم با مسيلمه كذاب واقع شد، حضور يافته است.[77] در جنگ «يمامه» نيز بدن او دوازده زخم برداشت و حتي يك دست وي هم قطع شد.[78] خلاصه كلام اين‌كه ايمان و اخلاص و فداكاري نسيبه در جنگ احد، به جايي رسيد كه رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: «وفاداري و مقاومت نسيبه، بهتر و بالاتر از بسياري از مردها مي­باشد».[79]

بر چنين زني شايسته و گوارا است كه در زمان دولت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف به دنيا برگردد و هم‌چون مؤمنان خاص، طعم شيرين حكومت ولايتي آن حضرت را بچشد. اين، اجر كساني است كه خداوند به آنها وعده داده است. پيامبر صلي الله عليه و آله و سلم هم دربارة او فرموده است: «‌نسيبه از بانواني است كه در روزگار ظهور امام زمان عجل الله تعالي فرجه الشريف حضور مي­يابد و به مداواي مجروحان جنگي در ر­كاب آن حضرت مي­پردازد...».[80]

زنان غيرمؤمن

در حديثي، از زني خبر داده شده است كه حضرت زهرا عليها السلام را خيلي رنج مي‌داد.[81] از عبدالرحيم قصير روايت شده است كه امام باقر عليه السلام فرمود:

آگاه باشيد اگر قائم ما قيام كند، حميراء زنده مي‌شود، تا اين‌كه آن حضرت به او تازيانه بزند و تا اين‌كه از وي براي فاطمه عليها السلام دختر رسول‌خدا صل الله عليه و آله و سلم انتقام بگيرد. گفتم: «فدايت شوم! چرا بر او تازيانه مي‌زند؟» فرمود: «به سبب افترا و تهمتي كه به أم ابراهيم زد». گفتم: «چرا خداوند، تا زمان قائم آن را به تأخير انداخت؟» امام باقر عليه السلام فرمود: «به سبب اين‌كه خداوند، پيامبر صل الله عليه و آله و سلم را براي رحمتِ خلق مبعوث كرد؛ ولي قائم عجل الله تعالي فرجه الشريف را براي انتقام دشمنان».

پس زنان غيرمؤمن نيز هم‌چون مردان غيرمؤمن رجعت مي‌كنند، تا به دست مبارك مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف به مجازات خود برسند.

نتيجه

براساس آن‌چه دربارة اعتقاد به رجعت و بازگشت به دنيا قبل از شروع قيامت گفته شد و هم‌چنين طبق معناي رجعت در لغت و اصطلاح، خداوند، هم زمان با ظهور مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف عده‌اي از بندگان صالح خود را كه در ايمان و عمل و تقوا، اسوة مؤمنان بوده‌اند و هم‌چنين عده‌اي از كفار كه در كفر و نفاق، سرسلسلة كفار و منافقان بوده‌اند را با همان ويژگي‌ روحي و جسمي خود به دنيا برمي‌گرداند، تا هر دو گروه نتيجة دنيايي اعمال‌شان را دريافت كنند. طبق آن‌چه گفته شد، برداشت مي‌شود كه در اخبار اين بازگشت، به عنوان مؤمنان و كفار اشاره شده است؛ يعني مردان و زنان مؤمن و مردان و زنان غيرمؤمن رجعت مي‌كنند.

امر رجعت در پيشينيان هم صورت گرفته و امري است كه به زمان و گروه خاصي اختصاص ندارد؛ بلكه به همه زمان‌ها و همة مردم مربوط است (مؤمنان خاص و كفار خاص) . هم‌چنين عقل، هيچ مانعي براي زنده‌شدن مردگان پس از مرگ تصور نمي‌كند؛ بلكه وقوع آن را درك مي‌كند. پس بايد رجعت را كه دربارة اين جهان است، بپذيرد؛ چون امكان حيات مجدّد را در روز رستاخيز پذيرفته است. زن، از آغاز آفرينش تا كنون، دوران‌هاي تلخ و شيريني را سپري كرده است؛ گاه همراه با حركت انبياي الهي، گام به گام همراه آنان بوده و دوشادوش مردان صالح، از پيامبر زمان خود حمايت كرده است؛ همانند ماشطه كه حاضر مي‌شود خود و فرزندانش در آتش بسوزند؛ امّا لحظه‌اي از ايمان به خدا دست بر ندارد.

زنان، اولين كساني هستند كه افتخار آموزگاري بشر را به عهده گرفته‌اند و دامان‌شان كانون شكل‌گيري تمام فضيلت‌ها است؛ پس حق است كه در روايات و احاديث، بر رجعت به نام زنان مؤمن خاص اشاره شود و او هم در اين امر بزرگ آخرالزمان حضور داشته باشد.

يكي از مواردي كه از اين بحث نتيجه مي‌شود، اين است كه كساني كه براي انتقام و تنبيه به دنيا برمي‌گردند، هرگز به ميل و ارادة خود برنمي‌گردند؛ بلكه ناگزير تن به رجعت مي‌دهند كه رجعت براي آنها بسيار ذلّت بار و سخت است؛

ولي دربارة مؤمن به نظر مي‌رسد رجعت اختياري خواهد بود. امام صادق عليه السلام فرمود:

هنگامي كه حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف قيام كند، مأموران الهي، در قبر با اشخاص مؤمن تماس مي‌گيرند و به آنها مي‌گويند: «اي بندة خدا! مولايت ظهور كرده است. اگر مي‌خواهي به او بپيوندي، آزاد هستي، و اگر بخواهي در نعمت‌هاي الهي متنعم بماني، باز هم آزاد هستي».[82]

پس اگر مي‌خواهيم در زمرة ياران امام زمان عجل الله تعالي فرجه الشريف باشيم، اگر مي‌خواهيم به اراده و لطف پرورگار، گل روي مهدي فاطمه عليها السلام را در دنيا ببينيم و بتوانيم فرد مفيدي در حكومت او باشيم، از همين لحظه با مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف پيمان ببنديم و خود را با برنامه‌ها و خواسته‌هايش كه جز راه جدّش پيامبر صل الله عليه و آله و سلم و اميرمؤمنان عليه السلام نيست، تطبيق دهيم.

نتيجه

پس براساس براهين عقلي و نقلي، رجعت، باوري است قابل دفاع؛ يعني مي‌توان هم از منظر عقل به اثبات و توجيه آن همت گماشت و هم از منظر عقل به معقول بودن رجعت پي برد.

طبق اعتقادات شيعه، رجعت يعني بازگشت افراد به دنيا؛ البته افراد خاصي كه يا از لحاظ ايمان در مرتبه عالي قرار دارند و يا از لحاظ كفر و نفاق در مرتبه انحطاط قرار دارند (به تعبير ديگر، مؤمنان و كافران محض) تا در همين دنيا به پاداش و عذاب دنيايي نائل آيند. در اين ميان، زنان نيز از رجعت‌كنندگان هستند، يعني زنان مؤمن به سبب ايمان‌شان و زنان كافر و منافق به دليل كفر و نفاق‌شان به دنيا باز مي‌گردند.

اثبات اصل رجعت در جايگاه يك باور اسلامي، و فلسفه و اهداف آن، و نيز كيفيت رجعت و افراد رجعت كننده و مواردي از اين قبيل را، آيات و روايات فراواني بيان كرده‌اند كه در اين مقاله، به آنها اشاره شده است.

[1] . فضل بن حسن طبرسي، مجمع البيان، ج7، ص234.

[2] . محمدبن حسن شيخ حر عاملي، الايقاظ من المجعه بالبرهان علي الرجعه، ص23.

[3] . محمدرضا طبرسي، الشيعه و الرجعة، ص243.

[4] . علي بن بابويه قمي شيخ صدوق، الاعتقادات و مصنفات شيخ مفيد، ج5، ص60.

[5] . محمدرضا طبرسي، الشيعه و الرجعة، ص244، به نقل از مختصر بصائرالدرجات، ص13.

[6] . محمدبن محمد بن نعماني شيخ مفيد ، اوائل المقالات في المذاهب و المختارات، ص46.

[7] . سيدمرتضي علم الهدي، علي بن الحسين موسوي، رسائل الشريف المرتضي، ج1، ص126.

[8] . محمدباقر مجلسي، بحارالانوار، ج53، ص122.

[9] . ابوالحسن عاملي شريف، مرآة الانوار و مشكوة الاسرار، مقدمه تفسير البرهان.

[10] . محمدباقر مجلسي، حق اليقين، ص355.

[11] . محمدبن حسن شيخ حر عاملي، الايقاظ، ص49و67.

[12] . محمدجميل حمود، الفوائد البهية، ج2، ص318.

[13] . فضل بن حسن طبرسي، مجمع‌البيان، ج7، ص350.

[14] . فخرالدين طريحي، مجمع البحرين، ج1، ص150.

[15] . شيخ عبدعلي بن جمعه عروسي حويزي، ج4، ص100؛ محمدباقر مجلسي، بحارالانوار، ج53، ص39.

[16] . اعلم انّ الّذي تذهب إليه الشيعة الامامية أنّ الله يعيد عند ظهور الامام المهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف قوماً ممن كان قد تقدّم موتهم من شيعته ليفوزوا بثواب نصرته و يعيد أيضاً قوماً من أعدائه لينتقِم مِنْهم ... (سيد مرتضي، رسائل الشريف، ج1، ص 125؛ سفينة البحار، ج3 ، ص315)؛ محمدباقر مجلسي، بحارالانوار، ج53، ص138، محمدبن حسن حرّ عاملي، الايقاظ من الهجعة بالبرهان علي الرجعه، باب ثاني، نقل از سيد مرتضي، ص58.

[17] . محمدباقر مجلسي، بحارالانوار، ج53، ص39.

[18] . بقره: 55 و 56 و 206 و243؛ آل عمران: 49؛ مائده: 110 .

[19] . (و اِذْ قَتَلْتُمْ نَفْساً فَادّارءتُمْ فيها .... كَذلِكَ يُحْيِ الله الْمَوْتي ....‌ )، بقره: 73و72.

[20] . خداوند، پس از بيان داستان‌هاي شخصي، با كلمة «كذلك» ممكن بودن آن را در نظام عالم بيان مي‌كند.

[21] . سيد مرتضي، رسائل، ج3، ص135.

[22] . اِنّ الرَّجعةَ منْ مراتبِ يَومِ القيامة وَ اِنْ كانَ دُونِهِ فِي الظهور، لِاِمكانِ الشّر و الفِساد فيهِ فِي الجملةِ دُونَ يَومِ القيامة، و لِذالِكَ ربما اُلحقِ بِه يومُ ظُهورِ المهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف ايضاً، لِظُهور الحقِّ فيهِ تَمام الظُهورَ ...؛ محمدحسين علامه طباطبايي، تفسيرالميزان، ج2، ص109.

[23] . محمدرضا طبسي نجفي، شيعه و رجعت، مترجم محمد ميرشاه ولد، ص145.

[24] . ( وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ \* وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِن كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجاً مِّمَّن يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ )؛ نمل: 82و83 .

[25] . (وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا )؛ كهف: 47.

[26] . مكارم شيرازي، تفسير نمونه، ج15، ص547؛ محمدحسين طباطبايي، تفسير الميزان، ج15، ص397.

[27] . مكارم شيرازي، تفسير نمونه، ج15، ص548.

[28] . «دابة» به معناي «جنبنده» و «ارض» به معناي زمين است. قرآن كريم، از اين كلمه به طور سربسته گذشته است. تنها وصفي كه قرآن براي آن ذكر كرده، اين است كه با مردم سخن مي‌گويد. اين تشخيص افراد بي‌ايمان و نشانه‌گذاري بر آنها، شامل مرد و زن مي‌شود. در بيان شخصيت و وصف «دابة الارض» دو قول مطرح است:

الف) گروهي آن را يك موجود جاندار و جنبنده غيرعادي از غيرجنس انسان با شكلي عجيب دانسته و براي آن عجايبي نقل كرده‌اند كه شبيه خارق عادات و معجزات انبياء عليهم السلام است. اين جنبنده، در آخرالزمان ظاهر مي‌شود و از كفر و ايمان سخن مي‌گويد و منافقان را رسوا مي‌سازد و بر آنها علامت مي‌نهد.

ب) گروهي ديگر، به پيروي از روايات متعددي كه در اين زمينه وارد شده است، او را يك انسان مي‌دانند، يك انسان فوق‌العاده و جنبنده‌اي فعال كه يكي از كارهاي اصلي‌اش جدا ساختن صفوف مسلم از منافق و علامت‌گذاري آن‌هاست (حتي از برخي روايات استفاده مي‌شود كه عصاي موسي عليه السلام و خاتم سليمان عليه السلام با او است) (مكارم شيرازي، تفسير نمونه، ج5، ص552).

[29] . محمدحسين طباطبائي، الميزان، ج15، ص537.

[30] . لا يُدْرِكُهَا طالِبٌ وَ لا يَفُوتُهَا هارِبٌ فَتَسِمُ المُؤْمِنَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ و يَكْتُبُ بَيْنَ عَيْنَيهِ مُؤْمِنٌ وَ تَسِمُ الْكافِرَ بَيْنَ عَيْنَيِهِ وَ تَكْتُبُ بَيْنَ عَيْنَيهِ كافِرٌ وَ مَعَها عَصَا مُوسي عليه السلام وَ خَا تَمُ سُلَيْمانَ عليه السلام‌؛ محمدباقر مجلسي، بحارالانوار، ج6، ص300؛ الايقاظ، ص335، محمد بن الحسن حرّ عاملي، نورالثقلين، ج4، ص98.

[31] . (اِنّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذينَ آمَنُوا فِي الْحَياةِ الدُّنيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْاَشْهَادُ )، مومن: 51.

[32] . نقل از محمد باقر مجلسي، بحارالانوار، ج53، ص130؛ محمدبن حسن حر عاملي، الايقاظ من الهجعة، باب ثاني، ص46 .

[33] . فضل بن حسن طبرسي، مجمع البيان، ج7، ص234.

[34] . محمدباقر مجلسي، بحارالانوار، ج53، ص127.

[35] . همان، ص123.

[36] . سيدمحمدحسين طباطبايي، تفسير الميزان، ج3، ص205.

[37]. مَنْ اَقَرَّ بِسَبْعَةِ اَشْيَاءَ فَهُوَ مُؤْمِنُ وَ ذَكَرَ مِنْهَا الْايمانَ بِالرَّجْعَةِ؛ محمد باقر مجلسي، بحارالانوار، ج53، ص21.

[38] . أنها الْحَقُّ قَدْ كانَتْ فِي الْاُمَمِ السَّالِفَةِ وَ نَطقَ بِهَا الْقُرآنُ وَ قَدْ قالَ رَسُولُ اللهِ : يَكُونُ فِي هذِهِ الْاُمَّةِ كُلَّ مَا كانَ فِي الْاُمَمِ السابقه حَذْوَ النََعّل بالنَّعل وَ الْقَذَّةِ بِالْقَذَّة؛ ِسيد شبّر، حق اليقين، ص11، بهارانچي، دولة المهدي، ص381.

[39] . به تفسير آيه 243 سوره بقره مراجعه شود.

[40] . فَاِنْ اَدْرَكْتُ اَيّامَكَ الزّاهَرِةَ وَ اَعْلامِكَ الظّاهِرَةَ وَ دَوْلَتَكَ الْقاهِرَةَ فعبدٌ مِنْ عَبيدِكَ ... وَ اِنْ اَدْرِكَنيِ الْمَوْتُ قَبْلَ ظُهُورِكَ فَاَ توسَّلُ بِكَ اِلَي اللهِ سُبْحانَهُ اَنْ يُصَلِّيَ عَلي مُحَمَّدٍ وَ آل مُحَمَّدْ وَ اَنْ يَجْعَلَ لِي كرَّةً فِي ظُهوركَ وَ رَجْعَةً فِي اَيّامِكَ لِاَبْلغَ مِنْ طاعَتِكَ مُرادِي و اَشْفِيَ منْ اَعْدائِكَ فُؤادي؛ محمد باقر مجلسي، بحارالانوار، ج22، ص260.

[41] . يا مولاي يا ابا عبدالله! اُشهد الله و ملائكته و أنبيائه و رسله أني بكم مؤمن و بإيابكم موقن؛ همان، ج21، ص 576.

[42] . اَلّلهُمَّ إنْ حالَ بَيْني وَ بَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذي جَعَلْتَهُ عَلي عِبادِكَ حَتْماً مَقْضيّاً فأخْرِجْني مِنْ قَبري مُؤْتَزِراً كَفَني شاهِراً سَيْفي مُجَرِّداً قَناتي مُلَبِّياً دَعْوةَ الدّاعي؛ حاج شيخ عباس قمي، مفاتيح الجنان، ص893.

[43] . من دعا الله اربعين صباحا بهذا العهد، كان من انصار قائمنا، فان مات قبله أخرجه الله من قبره…؛ محمدباقر مجلسي، بحارالانوار، ج53، ص95.

[44] . فَإن توفيتني اللهمّ قبل ذلك فاجعلني يا ربّ ممّن يكرّ في رجعته؛ همان، ج22، ص240.

[45] . لَمَّا كانَ مِنْ اَمْرِ الْحُسَيْنِ ما كانَ ضَجَّتِ الْمَلائِكَةُ اِلَي اللهِ تَعالي فَاَقامُ اللهُ لَهُمْ ظِلَّ القائِمِ وَ قال: بهذا انْتَقِمُ لَهُ مِنْ ظالِميهِ؛ محمدبن حسن حر عاملي، الايقاظ من الهجعة، ص245 .

[46] . اَللّهُمَّ وَ عَجِّل فَرَجَ اَوْليائِكَ وَ اَرْدُدْ عَلَيْهِمْ مظالِمَهُمْ وَ اَظْهِر بِالْحَقِّ قائِمَهُمْ... اللّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلي آبائِهِ وَاجْعَلْنَا مِنْ صَحبِهِ وَ ابْعَثْنا فِي كَرَّتِهِ حَتّي نَكُونَ فِي زَمَانِهِ مِنْ اَعْوانِه؛ ِمفاتيح الجنان، اعمال ذيقعده، دعاي روز بيست و پنجم.

[47] . فَاَمّا الْمُؤْمِنُونَ فَيُنْشَرونَ اِلَي قُرّاةِ اَعْيُنِهِمْ وَ اَمّا الفُجَّارُ فَيُنْشَرونَ اِلَي خِزيِ اللهِ اِيّاهُمْ، اِنَّ اللهَ يَقولُ: (وَ لَنُذيقنَّهُمْ مِنَ الْعَذابِ الْاَدْني دُونَ الْعَذابِ الْاَكْبَرِ )؛ محمد بن حسن حر عاملي، الايقاظ من الهجعة، باب التاسع، ص272.

[48] . كنزالدقايق، ج9، ص596: فصل اول (تعريف رجعت در اصطلاح) .

[49] . محمدباقر مجلسي، بحارالانوار، ج53، ص64.

[50] . حجر: آيه 2 .

[51] . بحارالانوار، ج53، ص64-65

[52]. ... اِنَّ الرَّجْعَةُ لَيْسَتْ بعامَّة و هي خاصَّة، لا يَرجِع الاّ مَنْ مَحَض الايمانِ مَحْضاً اَوْ مَحَضَ الشِركِ مَحْضاً ؛ همان، ص39 و 85؛ محمد بن حسن حر عاملي، الايقاظ من الهجعة، باب 10، ص360.

[53] . مَا بَعَثَ الله نَبِيّاً مِنْ لَدُنْ آدَمَ وَ هَلُمَّ جَرّاً وَ يَرْجِعُ اِلَي الدُّنْيَا فَيَنْصُرُ رَسُولَ اللهِ وَ اَميرَالمُؤمنِينَ؛ بحارالانوار، ج53، ص62.

[54] . (إِنَّ الَّذي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَر'ادُّكَ اِلي' مَعَادٍ )؛ آن كس كه قرآن را بر تو فرض كرد، تو را به بازگشت‌گاهي برمي‌گرداند. قصص: 85.

[55] . يَرْجَعُ اِلَيْكُمْ نَبيُّكُمْ وَ اَمِيرُالْمُؤْمنينَ وَ الَْاَئِمَّةُ؛ بحارالانوار، ج53، ص56.

[56] . ... حَتّي يقومَ قائمُنَا اَهْلَ البيتِ، فَاِذا قام قائمُنَا بَعَثَهُمُ الله فَاقبَلوا مَعَهُ يَلبّونَ زمراً زمرا ... ؛ كافي، ج3، ص131.

[57] . يَكُنّ مَعَ القائم ثلاث عشرةٍ امرأةٍ قلت: و ما يصنع بهنَّ؟ قال: يُداوينَ الجرحي، وَ يقمنَ عَلي المرضي، كما كانَ مع رسول اللهِ قلت: فسمّهنَّ لي. قال: القنوا بنت رشيد، و أمّ أيمُن، و حبابة الوالبيّة، و سمّيةُ أمُ عمار بن ياسر، و زبيدة، و أمّ خالد الأحمسيّه، و أمّ سعيد الحنفيّة، و صبانة الماشطة، و أمّ خالد الجهنيّة؛ طبري، دلائل الامة، ص260.

[58] . رياحين الشريعة، ج5، ص41، نقل از خصايص فاطمي.

[59] . بيان الائمة، ج3، ص338.

[60] . رياحين الشريعة، ج5، ص153؛ نجم الدين طبسي، چشم‌اندازي از حكومت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف، ص76.

[61] . روزي مشغول آرايش دختر فرعون بود كه شانه از دست او افتاد و بي‌اختيار گفت: «بسم‌الله». دختر فرعون گفت: «آيا پدر مرا مي‌ستايي؟» گفت: «نه؛ بلكه آن كسي را ستايش مي‌كنم كه پدر تو را آفريده است و او را از بين خواهد برد». دختر فرعون، خبر را به پدرش رساند. فرعون او را احضار كرد و به او گفت: «مگر به خدايي من اعتراف نداري؟» صيانه گفت: «هرگز؛ من از خداي حقيقي دست نمي‌كشم». فرعون دستور داد تنور مسي را برافروختند و دستور داد همة بچه‌هاي او را در حضورش در آتش انداختند. زماني كه خواستند بچة شيرخوار او را از بغلش بگيرند، صيانه منقلب شده و خواست با زبان، از دين اظهار بيزاري كند. كودك، به امر خدا، به سخن آمد و گفت: صبر كن اي مادر! كه تو بر حقي». فرعونيان آن زن و بچه شيرخوارش را نيز در آتش افكندند و خاكسترشان را در اين زمين ريختند كه تا روز قيامت اين بوي خوش از اين زمين استشمام مي‌شود...». منهاج الدموع، ص93.

[62] . نجم‌الدين طبسي، چشم‌اندازي از حكومت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف، ص78.

[63]. رياحين الشريعة، ج4، ص335.

[64] . محمدجواد طبسي، زنان در حكومت امام زمان عجل الله تعالي فرجه الشريف، ص28؛ نجم‌الدين طبسي، چشم اندازي از حكومت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف، ص76؛ تاريخ طبري، ج2، ص7.

[65] . قاموس الرجال، ج10، ص378.

[66] . واقدي، مغازي، ج1، ص268.

[67] . نجم الدين طبسي، چشم اندازي به حكومت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف، ص77.

[68] . آيت‌الله خويي، معجم رجال الحديث، ج14، ص 23، 108، 176.

[69] . مرحوم مامقامي، تنقيح المقال، ج23، ص 75؛ كافي، ج2، ص 152.

[70] . همان، ص 402.

[71] . مامقامي، تنقيح المقال، ج23، ص 75.

[72] . شيخ طوسي، رجال، ص 361.

[73] . شيخ عباس قمي، سفينة البحار، ج1، ص 522.

[74] . معجم رجال الحديث، ج7، رياحين الشريعة، ج5.

[75] . ابن اثير، اسدالغابة، ج5، ص 555.

[76] . همان .

[77] . الاصابة، ج4، ص 418.

[78] . بحارالانوار، ج20، ص 133.

[79] . همان.

[80] . رياحين الشريعة، ج5، ص 82.

[81] . عن عبدالرحيم القصير قال: قال لي ابوجعفر عليه السلام: «أما لو قام قائمنا لقدرت اليه الحميراء حتي يجلّدها الحد و حتي ينتقم لأبنة محمد، فاطمة3 منها»، قلت: «جعلت فداك و لم يجلدها؟» قال: «لفريتها علي أم ابراهيم». قلت: «فكيف أخره الله لقائم؟» فقال: «لأن الله تبارك و تعالي بعث محمداً صلي الله عليه و آله و سلم رحمة و بعث القائم عليه السلام نقمة» (مهدي موعود، ج2، ص461؛ شيخ صدوق، علل الشرايع، جلد 1و2، باب نوادر العلل، شمارة 10، ص304).

[82] . طوسي، غيبت، ص459؛ محمدباقر مجلسي، بحارالانوار، ج53، ص91.